

ریشه‌یابی فتنه و انحراف از منظر قرآن و تاریخ

مرآت الله معتمد

«پاسخ به یک پرسش»

چرا پنجاه سال بعد از وفات پیغمبر ﷺ کار کشش را نمی
به جای رسیده باشد، که مردم مسلمان در کوفه و کربلا
جمع بشوند، و جگر گوشه همین پیغمبر را با آن وضع
فجیع به خاک و خون بکشند؟ چرا این طوری شد؟!

سرشناسه: معتمد، عزت الله، ۱۳۴۳
 عنوان و نام پدیدآورنده: ریشه یابی انحراف و فتنه از منظر قرآن و تاریخ
 از منظر قرآن و تاریخ. عزت الله معتمد.
 مشخصات نشر: قم، نجفی، ۱۳۹۴.
 نوبت چاپ: اول.
 تعداد صفحات: ۴۸۰
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۲۸۱-۴-۱
 موضوع: تاریخی، قرآنی، انحراف ها و فتنه ها.

نام کتاب: ریشه یابی انحراف و فتنه از منظر قرآن و تاریخ
 تألیف و تدوین: عزت الله معتمد
 ناشر: انتشارات نجفی
 نوبت و سال چاپ: اول، دی ماه ۱۳۹۴
 تایپ و حروفچینی: معتمد و فاطمه معتمد
 صفحه آرا و طراح جلد: گرافیک جوانه
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۳۵۰۰۰ ریال
 چاپ و لیتوگرافی: شریعت
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۲۸۱-۴-۱ ISBN: 978-600-92281-4-1

کلیه حقوق محفوظ و در انحصار مؤلف می باشد.

فهرست مطالب

تقریظ حضرت آیت الله زین العابدین قربانی نماینده محترم ولی فقیه در استان	
گیلان و امام جمعه محترم رشت «دامت برکاته»	۹
تقریظ حضرت حاجت الاسلام و المسلمین حیدر مصلحی «دامت برکاته»	۱۱
مقدمه	۱۳
سخن نخست	۳۳
فصل اول: هدف خلقت؛ مقابله با انحراف	۴۱
آغاز نافرمانی و انحراف	۵۰
✓مقابله با فطرت و دریافت های فطری	۵۴
✓مقابله با تعالیم و حیانی و برنامه توحیدی پیامبران	۵۸
✓دشمنی و تهاجم همه جانبه	۶۳
جراحی و چستی شیطان	۶۷
فصل دوم: محور دعوت انبیاء؛ تقابل با انحراف و فتنه ها	۸۳
حضرت آدم علیه السلام	۹۰
تقابل قابیل و هابیل	۹۲
مقابله حضرت شیث و ادیس با انحراف	۹۴
رسالت حضرت نوح؛ تقابل با انحراف	۹۶
ادعاهای انحرافی درمقابل نوح علیه السلام	۹۹

۱۰۳	مبارزه با بت‌های درون و برون
۱۰۵	دشمنی واحد، شیوه‌های متفاوت
۱۰۹	آقا زاده نوح، عبرت تاریخ
۱۱۳	شیطان و نوح
۱۱۴	حضرت هود علیه السلام، پرچم دار مبارزه با انحراف ها
۱۱۶	عوامل گمراهی و انحراف قوم هود (عاد)
۱۲۱	انحراف رابی، خمیر مایه دعوت انبیاء الهی
۱۲۳	فصل سوم: عوامل انحراف و مقابله با دعوت انبیاء
۱۲۴	الف) - دنی پرستی و انحراف گرای
۱۲۸	دنیا پرستی و نظام جبر
۱۳۱	تفاوت دنیا و دنیا پرستی
۱۳۳	دنیا پرستی عامل طغیان و سرکشی
۱۳۸	ب) - هوا پرستی
۱۴۲	هوس مداری و سقوط اخلاقی
۱۴۴	هوس مداری و گمراهی
۱۵۳	ج) - خود بینی و تکبر
۱۵۷	خود برتری بینی
۱۶۲	شیطان و خود برتری بینی
۱۶۶	گوساله پرستی، خطر همیشه تاریخ
۱۷۳	فصل چهارم: جریان های انحرافی و شیطانی
۱۷۶	جریان شرک گرای
۱۸۱	علل و عوامل پیدایش و استمرار شرک
۱۸۶	جریان اهل نفاق
۱۹۴	جریان انحرافی مسلمانان بیمار دل

تبوک، صحنه همسویی جریان‌های انحرافی (مشرک، اهل نفاق و مسلمانان بیمار دل)	۲۰۰
خطر نفاق، چرا؟	۲۰۷
فصل پنجم: اهداف مشترک دشمنی جریان‌های انحرافی	۲۱۷
۱. نبی ستیزی	۲۲۱
۲. وحی ستیزی	۲۲۴
۳. ولی ستیزی	۲۳۰
فصل ششم: یگاد و اهمیت ولایت و رهبری در اسلام	۲۳۵
فصل هفتم: عزیمت و انگیزه‌های دشمنی با علی و اولاد علی علیه السلام	۲۶۳
۱. حسادت و ربه‌ی	۲۷۳
۲. کینه توزی و استغناء بره‌ی	۲۸۴
۳. خود خواهی و ریاست طلبی	۲۹۲
فصل هشتم: سقیفه رمز آغاز عملیات انحراف و رخنه‌های دینی	۲۹۹
پدیده ارتداد پس از رسول خدا (صلى الله عليه وعلى آله)	۳۲۷
فصل نهم: علت العلل انحرافها و فتنه‌ها	۳۳۳
رمز گشایی پدیده دنیا گرایی خواص	۳۴۲
دنیا گرایی و اجتهاد در مقابل نص	۳۴۳
میدان‌های دشمنی خواص با امیرالمومنین (جمل، صفین و نهروان)	۳۷۷
فرهنگ دشنام گویی	۳۹۳
چرایی قیام امام حسن علیه السلام	۳۹۸
چرایی قیام و شهادت امام حسین علیه السلام	۴۱۰
مصادق‌های عبرت آموزی	۴۱۵
متن بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)	۴۴۷
جدول عناوین و محورهای مطالبات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)	۴۷۱

ماجرای (فتنه ۸۸) چرا؟! ۴۷۳

منابع و مآخذ ۴۷۹

www.ketab.ir

تقریظ حضرت حجت الاسلام و المسلمین حیدر مصلحی «دامت برکاته»

بسم الله الرحمن الرحيم

در تاریخ بشر دگرگونی و تحول یکی از اصول مسلمه است که دقیقاً در همین رابطه خداوند متعال یکی از علل خلقت انسان را مسئله آزمون و آزمایش قرار داده و آن را در قرآن به عنوان یک سنت و قاعده حتمی و قطعی مطرح نموده است:

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَنَّكُمْ أَمْثَلًا».

این آزمایش مراحل دارد: در مرحله نخست؛ انسان ها با کفر و ایمان و سپس با جهاد و فرار از جهاد، و در مرحله سوم؛ با صبر و مقاومت در مسیر حق امتحان و آزمایش می شوند. در این مراحل عوامل مختلفی وجود دارد، همچون شیطان، توطئه گری، فساد زدگی، کینه توزی، ارتداد و برگشت از حق، و مسائل دیگری از همین باب که موجب دگرگونی و تحولات انسان ها می گردد. البته باید به این نکته توجه داشت که بدون شک گروه ها و جریان های منحرف و مستکبر به عنوان عوامل اساسی، در تاریخ زندگی بشر معضلات گرفتاری هایی را برای انحراف و دگرگونی انسان ها و جلوگیری از استمرار حرکت انسان ها به مسیر صحیح انسان ها به وجود آورده اند، به طوری که منشاء تحولات و دگرگونی های فراوانی در تاریخ بشر بودند، که از جمله یهود صهیونیست است که همیشه تاریخ را در مسیر انحراف، استکبار و قوت بخشیدن به آن و جلوگیری از حرکت انبیاء، توسط انبای بزرگی را طراحی کرده و در جوامع مختلف در صدد تحریف انقلاب های الهی بوده است. تاریخ صد سال اول اسلام و مسائلی که در این دوره تاریخی گذشته است و تحولات دگرگونی که در زندگی و مسیر حرکت خواص به وجود آمده، خود یکی از دوره های بسیار آموزنده و عبرت آمیز است که با آموزه دینی قرآن «فاعتبروا یا اولی الابصار» باید مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار گیرد. با نگاهی گذار در تاریخ اسلامی خصوصاً در صد سال اول مشاهده می کنیم که چگونه یهود از ظرفیت های درون جامعه اسلامی و جزیره العرب استفاده و بهره برداری فراوان می کند. جریان یهود وقتی در دوران بعثت پیامبر و ایجاد حکومت توسط آن حضرت در مدینه نتوانست در جنگ سخت، علیرغم

نقشی که در جنگ‌های مختلف پیامبر با مشرکین و کفار داشت به نتیجه برسد، بعد از رحلت آن حضرت به سمت طراحی جنگ نرم رفت و بعضاً در دوران خلافت علی علیه السلام با جنگ سخت و در ادامه با بررسی‌ها و شناسایی‌هایی که انجام داد، قوم بنی امیه را بهترین جریانی دید که می‌تواند از ظرفیت آنها در جنگ نرم بر علیه اسلام و مسلمین استفاده کند و سرانجام با حکومت ۴۱ ساله معاویه که مدتی بر امارات شام و مدتی بر کل جغرافیای دنیای اسلام مسلط بود، توانست بخش قابل توجهی از نواصی تربیت شده در دامان پیامبر را دچار انحراف و برگشت از مسیر حق قرار دهد.

اقدام بسیار ارزشمند برادر عزیز جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای معتمد درباره بازیابی و بررسی علل و عوامل این انحراف و تبیین مصادیق آن که با منشأ گرفتن از فرمایشات امام بنیادین اسلام و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله الامام خامنه ای در لشکر ۲۷ حضرت محمد رسول الله ﷺ در تاریخ ۱۳۷۵/۳/۲۰ در بیان وضعیت خواص جبهه حق در صدر اسلام صورت گرفته، با استفاده از آیات قرآن مجید و بیانات ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) و ان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته که امروز نیز در عرصه انقلاب اسلامی که حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) معمار و بنیانگذار آن بوده، افرادی از خواص و نواصی در کنار همان وضعیت شده اند و صهیونیست سرمایه داری نیز به دنبال بهره برداری از این موقعیت می باشد. در این موقعیت و شرائط، تهیه و تألیف چنین کتابی یک اقدام بسیار بجا و دقیق است، که امید است همگان به ویژه نسل جوان بتوانند از این مجموعه ارزشمند در همراهی و تشخیص مسیر حق از باطل در پیروی و تبعیت از امام ولایت و ولی خدا که امروز در وجود مقام معظم رهبری حضرت آیت الله الامام خامنه ای «دام ظلّه» تبلور یافته، مورد بهره برداری قرار گیرد.

مجدداً به عنوان طلبه ای کوچک از این اقدام ارزشمند کمال تقدیر و تشکر را دارم.

۱۶ شعبان ۱۴۳۶ / مصادف با ۱۴ خرداد ۱۳۹۴

حیدر مصلحی

﴿الحمد لله رب العالمين، باعث الانبياء والمرسلين والصلوة
والسلام على سيدنا سيد المكرمين محمد وآله الطاهرين والعهود الدائم
على اعدائهم اجمعين﴾

مقدمه

خداوند سبحان در قرآن کریم پس از بیان سرگذشت پیامبران و اقوام گذشته، انسان‌های مؤمن و متعهد را به تفکر در عملکرد و زندگی آنها دعوت نموده، وحکمت و فلسفه بیان حکایت‌ها و قصه انبیاء و ملت‌های گذشته را، مایه عبرت آموزی برای اهل ایمان می‌داند. چنانچه خداوند، نه تنها به رسولش می‌گوید: قصه‌های انبیاء پیشین را برای تثبیت قلوب شما نقل می‌کنیم تا قلب‌های شما اطمینان یابد، بلکه از مردم می‌خواهد تا به یاد امت‌های گذشته باشند و از آنها عبرت بگیرند: «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»^۱ یعنی مردم باید از سیرت گذشتگان، حکمت بیاموزند و از عواقب شوم اشرار و مفسدین درس بگیرند. «وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْعَالَمِينَ»^۲. «ما حکایات و اخبار انبیاء را بر تو بیان می‌کنیم، از برای این که قلب تو را قوی و مستحکم کنیم، و در شرح حال رسولان آنچه حق و صواب است، بر تو آمده، و از برای اهل ایمان نیز پند و عبرت و تذکر باشد.» در حقیقت عبرت آموزی با هستی انسان عجیب است. کسی که عبرت آموزی جزئی از زندگی فردی و اجتماعی او محسوب نشود، باید بداند که سرمایه عظیمی از کف داده است، چرا که انسان وقتی از تجربه‌های ارزنده گذشتگان برای پیشرفت خویش و جامعه خود بهره جوید، در واقع بخش بزرگی از تمدن بشری را به یکجا به یاری طلبیده است و در نتیجه خود را از ناکامی‌ها و

۱. آل عمران، ۱۳۷.

۲. هود، ۱۲۰.

شکست‌ها رهایی خواهد بخشید. روی همین اهمیت است که آیاتی از قرآن کریم در خصوص ترغیب به عبرت آموزی می‌باشد.

چنانچه «... فَأَعْتَبُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ» دستور به این است که صاحبان خرد و بصیرت حوادث و رخدادهای گذشته را آئینه قرار دهند و شرایط و اتفاقات زندگی خود را با الهام از آنها تحلیل نمایند. لذا در کتاب فهرست غرر از حضرت امیر علیه السلام نقل شده: «الاعتبار يثمر العصمة» و در وصیتی به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمودند: «استدلّ علی ما لم یکن بما قد کان فانّ الامور اشباه» یعنی حوادث آینده را در پرتو حوادث گذشته بررسی کن که حوادث همانند یکدیگرند. بنابراین افراد و ملتی که نسبت به حوادث و رخدادهای تاریخی بی‌اطلاع باشند، از سرمایه عظیم تجربیات ملت‌ها و جوامع گذشته بی‌ بهره خواهند بود. چنانچه امیرالمومنین علی علیه السلام ضمن سفارش مؤکد به اطلاع و گاهی از حالات و اخبار گذشتگان، تفکر و عبرت آموزی از جریانات و عملکرد صواب و اصواب آنها را، لازمه نجات و رهایی از انحرافات و فتنه‌های زمان می‌داند.^۱ بدون شک تاریخ پی‌ریزی جز انعکاس تقابل مستمر جبهه حق و باطل نیست. یعنی رویا رویی حق‌گرایان و باطل‌گرایان از آغاز تاریخ تا به امروز در صحنه‌های مختلف زندگی اجتماعی و سیاسی انسان‌ها جریان داشته و خواهد داشت. به تعبیری دیگر، تاریخ صحنه نمایش مجموعه حوادث و پیش‌آمدهای خوش‌آیند و ناخوش‌آیندی است، که در حیات ملت‌ها و جوامع بشری در قالب تحولات و روابط اجتماعی عادلانه و یا ظالمانه در میان انسان‌ها به وقوع پیوسته است و می‌تواند تجربه‌ای ارزشمند برای عبرت آموزی نسل‌های فعلی و آیندگان در برداشته باشد. در حقیقت تاریخ را باید علی‌رغم حوادث تلخ و شیرینش، معلمی دلسوز و صادق در بیان فراز و نشیب‌های اجتماعی، سیاسی و تقابل و تضاد اندیشه‌های عصر خویش و آینده نزدیک دانست، چراکه تاریخ گذشته با همه پیشرفت‌ها و پسرفت‌هایش، برای بشر امروز تاریخ ساز می‌باشد. چنانچه رویدادها و تحولات امروز،

تاریخ فرداها را خواهد ساخت. به همین جهت است که تاریخ از نقطه نظر منابع و تعالیم دینی نیز دارای ارزش و اعتبار می باشد. براساس بینش تاریخی قرآن، ضرورت مطالعه و بازخوانی تاریخ و سرگذشت ملت های پیشین و جریان جبهه حق در مقابل جبهه باطل (به رهبری رسولان الهی)، از این جهت دارای ارزش و اعتبار می باشد، که می تواند راه گشای نسل های بعد به سوی آینده ای روشن و بهتر باشد. بدون شک دعوت قرآن به نگرش و اندیشه در سرنوشت اقوام گذشته را باید تأمل در رمز و راز پیروزی ها، شکست ها، حق پذیری ها و طغیان گری ها دانست. چنان چه حضرت علی علیه السلام می فرماید: «وَأَنَّ لَكُمْ فِي الْقُرُونِ السَّالِفَةِ لَعِبْرَةً أَيْنَ الْعَمَالِقَةُ وَأَيْنَ الْقُرَاعَةُ...»^۱ «برای شما درس های عبرت آموری است از مردمی که در قرن های گذشته می زیستند، کجایند مردمی که به قتل پیامبران پرداختند و سنت های رسولان خدا را از میان می بردند و سنت های جباران را رونق بخشیدند...».

لذا به جهت نقش و جایگاه طالب و بازخوانی تاریخ و سرگذشت ملت ها، انبیاء و جریان های حق و باطل در خصوص ملت ها، و مقابله با انحراف ها و فتنه ها، ذکر چند نکته محوری ضروری به نظر می رسد.

الف) قرآن کریم نوید بخش این واقعیت است که هرگز زمان، اراده الهی به پیروزی جبهه حق و شکست و نابودی جبهه باطل تعلل نکرده است، به طوری که سیاق، مفهوم و صراحت بسیاری از آیات و آموزه های دینی در مورد آینده تاریخ و عاقبت تقابل حق و باطل، پیروزی جریان حق در همه عرصه ها، یدان ها است. پرواضح است همان گونه که وعده الهی در خصوص پیروزی انبیاء الهی در مقابل جریان های انحرافی و بت پرست به تحقق پیوست، در امروز و آینده نیز قرآن با طرح وراثت صالحان و تقوای پیشگان، حاکمیت زمین را متعلق به جبهه حق و حق باوران می داند. البته با نگاهی عمیق تر و هوشمندانه به این واقعیت پی خواهیم برد، که ترسیم پیروزی و حاکمیت جریان جبهه حق و شکست باطل در تعالیم و حیاتی

به عنوان سنت تخلف ناپذیر الهی، نه تنها هشدار برای همه جریان‌های انحرافی و باطل گریان است، بلکه مایه نشاط، حرکت و تلاش مضاعف حق گرایان به سوی پیروزی نهایی درهمه عرصه‌ها است، آنچه در این موقعیت برتر، مهم است، این‌که جریان توحیدی جبهه حق، باید درپرتو این سرمایه عظیم «یعنی نوید قرآنی» برای عینیت بخشیدن به برنامه «مبارزه با باطل و مظاهر باطل گرای»^۱، ضمن ضرورت تدوین نقشه راه، باید از هیچ مجاهدت و فداکاری دریغ ننماید. بدون تردید تنها با ایمان و اعتقاد راسخ و مدیریت جهادی و انقلابی است، که این مهم تحقق پذیر است. آری خداوند متعال، فرجام تقابل حق و باطل را، پیروزی حق می‌داند، چرا که بر اساس اندیشه قرآن، نظام تکوین، نظام حاکمیت حق بر باطل است. «بَلْ تَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْبَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ»^۲. «ما همیشه حق را بر باطل پیروز می‌کنیم تا آنکه باطل را محو و نابود سازیم و باطل نابود شدنی است و وای بر آنان که خدا را به حذف کار باطل و بازیچه متصف گردانند». ناگفته نماند که درطول تاریخ نهضت‌ها و انقلاب‌های توحیدی با وجود دشمنی‌ها و مخالفت‌ها، همواره جریان جبهه حق پیروز میدان‌ها رده، و درچنین موقعیت‌هایی حاکمیت جریان حق به عنوان ره‌آورد پیام توحیدی انبیاء بر قلب‌ها و جان‌ها تحقق داشته است. طبق بینش قرآنی، سنت تغیر ناپذیر الهی، راسخ است که در روند تاریخ، حاکمیت از آن جبهه حق خواهد بود، همان‌طور که خداوند صریح دارد. «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ»^۳. «خداوند (درلوح محفوظ) حتم گردانیده، که البته من و رسولانم (بر دشمنان) غالبیم و خداوند بسیار قوی و مستدر است». چنانچه اسلام درآغاز طلوعش بر بندگان خدا، گام به گام، مسلمانان مؤمن و مخلص را با وعده‌های پیامبر مکرم اسلام حضرت محمد ﷺ از گردنه‌های سخت و خطرناک باطل و جریان‌های باطل‌گرا عبور داده و هر روز فردایی روشن‌تر در جلو روی آنها باز نموده است. خلاصه این‌که دیدگاه قرآن و مستندات تاریخی گویای این حقیقت

۱. انبیاء، ۱۸.

۲. مجادله، ۲۱.

است که امروز باید منتظر تحقق صلح و امنیت در سایه حاکمیت (جریان جبهه) حق باشیم. از سوی دیگر بر اساس بینش قرآنی، روند فاجعه اخلاقی و امنیتی که در حوزه فردی و اجتماعی گریبان‌گیر دنیای معاصر شده، موجب خواهد شد که جهان‌خواران ظالم و خودکامه که آزادی و دموکراسی را بازپچه مقاصد شیطانی و هدف‌های اهریمنانه خود قرار داده‌اند، مغلوب جریان حق و پیام توحیدی مکتب نورانی اسلام شوند، چنان‌چه قرآن به این واقعیت تصریح دارد «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۱. «خداوند به کسانی از شما (که به خدا رجعت عمره علیهم‌السلام) ایمان بیاورند و نیکوکار گردند، وعده داده که در زمین خلافتشان دهد. چنان‌چه آب‌سالف را جانشین آنان نمود... و به همه آنها پس از خوف و اندیشه از دشمنان، ایمنی کامل دهد...» درحقیقت خداوند در این آیه مبارکه سه نوید و سه وعده برای انجام موقعیت جریان توحیدی و جبهه حق درحاکمیت آینده جهان ترسیم نموده است.

اول: استقرار آیین توحیدی درسراسر جهانی دوم: حاکمیت جریان جبهه حق و اهل ایمان. سوم: شکست جبهه باطل و نابود... عوامل ظلم، خوف و ناامنی درحوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی درجایه بشری می‌باشد.

بدین ترتیب بر اساس نگرش تاریخی قرآن، عاقبت تاریخ بشری و آینده جهان، درحاکمیت تفکر توحیدی است، که با مدیریت جبهه حق و اهل ایمان رقم خواهد خورد. چنانچه خداوند سبحان دربرخی از آیات قرآن کریم می‌فرماید «... وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۲. «... وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»^۱. خداوند این موقعیت ممتاز و برتر را به دفعات یاد آورنده است.

۱. نور، ۵۵.

۲. قصص، ۸۳؛ طه، ۱۳۲؛ اعراف، ۱۲۸.

ب) انسان با مطالعه سرگذشت و تاریخ پیروزی‌ها و شکست‌های جریان حق و باطل، به نقش و عظمت اکسیر مقاومت و ایستادگی در دفاع از باورها و ارزش‌های انسانی پی خواهد برد و خواهد فهمید که هیچ انسان و ملتی در تاریخ با رخوت، سستی و عافیت طلبی به اهدافش نرسیده و نخواهد رسید، چنانچه جبهه حق به رهبری انبیاء و رهبران آسمانی، تنها در پرتو پایداری، مقاومت و با تحمل سختی‌ها و مشقت توانستند در مقابل دشمنان به پیروزی‌های بزرگی نائل آیند. همان‌گونه که خداوند در قرآن کریم در خصوص رمز و راز موفقیت پیامبران و پیروانشان می‌گوید: آنان برای دفاع از حق و دعوت مردم، لحظه‌ای از استقامت و ایستادگی در مقابل دشمنان لجاج و سرکش باز نایستادند. «وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ».^۱ نکته قابل دقت در این است که در هر عصر و زمانی غفلت از دشمنان و بی‌اطلاعی از شیوه‌های دشمنی دشمنان زمان خویش، می‌تواند ارتباط مستقیم با جهل و بی‌اطلاعی از تاریخ سرگذشت تقابل و رویارویی جریان‌های حق و باطل تاریخ گذشته داشته باشد، چرا که اگر انسان ریشه‌های دشمنی با جبهه حق را مطالعه و بررسی کند و آنها را به خوبی بشناسد، قطعاً دشمن و شیوه‌های دشمنی آنان را در هر چهره و لباسی که باشند، خواهد شناخت. آری تاریخ به عنوان صحنه صف آرایی و تقابل دشمنان داخلی و خارجی در مقابل جبهه حق، به سان کوله باری بسیار ارزشمند از عبرت‌ها و تجربه‌ها است، که انسان با درس‌آموزی و عبرت‌گیری، نه تنها حق و باطل را تمیز خواهد داد، بلکه بدون تردد و سستی از جبهه حق دفاع خواهد نمود. بدیهی است که درک صحیح موقعیت‌ها و به‌عبارت‌نست به جریان‌های ریشه دار حق و باطل، جز در پرتو مطالعه تاریخ و بازخوانی سرگذشت اشخاص و امت‌های گذشته امکان پذیر نخواهد بود.

ج) بدون شک افراد بی‌اطلاع و جاهل به گذشته و حوادث تاریخی، دچار شبیهه، لغزش و انحراف خواهند شد. لذا برای این که انسان در دام انحراف‌ها و فتنه‌ها اسیر نشود، باید دارای بصیرت و معرفت سیاسی و اجتماعی باشد و این مهم بدون

۱. هود، ۴۹.

۲. ابراهیم، ۱۲.

مطالعه، باز خوانی و بررسی رخدادهای وصف بندی های تاریخی امکان پذیر نیست. چرا که تاریخ آئینه حقیقت نمای تقابل و تضاد جریان های حق و باطل است. و انسان با بهره گیری از تجربه های آن می تواند به حوادث زمان خویش آگاهی داشته باشد، و دوست و دشمن را بشناسد، تا در نتیجه، دچار انحراف و فتنه منحرفان اغواگر نشود.

اینک پس از بیان این ضرورت، به اصل موضوع اشاره ای کوتاه داشته باشیم، و آن این که: جهالت و بی اطلاعی مردم دوران امام حسن و امام حسین علیهما السلام از سابقه اشخاص، جریانات فکری و صف بندی های سیاسی و اجتماعی عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام، از یک سو مهم ترین مانع بر سر راه تحقق و استمرار حاکمیت جبهه حق بوده. از سویی دیگر زمینه ساز حاکمیت جریان انحرافی و جبهه باطل گرایان بوده است. بدین ترتیب مردم به جهت نادانی در این برهه زمانی (از گذشته تاریخ اسلام)، نه تنها نسبت به سرنوشت جامعه خویش بی اعتنا بودند، بلکه در مناسبات اجتماعی و سیاسی آنان تشخیص سره را از ناسره و تمیز حق از باطل را نداشتند، به طوری که تنها بازیچه و ابزاری در دست منفعت طلبان و فتنه گران ریاست طلب شدند، بلکه در سایه همین بی اطلاعی از رخدادهای گذشته و جهل به شرائط و تحولات موجود، سر از دلت و گمراهی در آوردند. چنانچه حضرت امیرالمومنین علیه السلام این وضعیت را این گونه بیان کرده است: «إِلَى اللَّهِ أَشْكُو مِنْ مَعْشَرٍ يَعِيشُونَ جَهْلًا وَيَمُوتُونَ ضَلَالًا». یعنی به نزد خدا شکایت می کنم از این مردم که نادان زندگی می کنند و گمراه می میرند. بنابر این سراسر بحران، جهل و بی اطلاعی، پایانی جز مرگ در گمراهی نیست. به بیانی روشن تر باید گفت؛ نادانی و بی اطلاعی مسلمانان در عصر ائمه معصومین علیهم السلام از تاریخ دهه های پیشین خود، عامل اساسی عدم تشخیص حق و باطل بوده، به طوری که همین جهالت و عدم بصیرت، منجر به حاکمیت (ابن الطلقاء) یعنی حاکمان بنی امیه بر سرزمین های اسلامی گشت، چرا که در آن دوران، فقدان آگاهی از عقبه ها و ریشه های

جریان‌های خودی و غیر خودی، به سان مسیری همراه برای دشمنان تبدیل شده بود که بدون هیچ مانعی برای دستیابی به اهداف و مقاصد پلید خود به پیش می‌تاختند. بدون شک باید پذیرفت که بر اساس اندیشه تاریخ قرآن و به استناد تحولات و تطورات اجتماعی و سیاسی تاریخی، عامل اصلی شناخت دوست و دشمن، آگاهی و اطلاع از سرگذشت‌ها و جریان‌های ریشه دار تاریخی است، چنان چه پیروزی و استقلال هر ملتی در گروه همین شناخت‌ها و بصیرت‌ها است. لذا از این زاویه است که مکتب نورانی اسلام، بر معرفت و بصیرت در شؤون شخصی و اجتماعی آحاد جامعه تأکید دارد و برای این که انسان در صحنه‌های مختلف راه نفوذ و خطه دشمنان داخلی و خارجی را مسدود نماید، باید به دشمن و راه‌های دشمنی آنها، رططن را درخ گذشته و زمان خود آگاهی و اطلاع داشته باشد. مع الاسف مردم سالاران و حامعه پس از پیامبر ﷺ در رهگذر بی‌اطلاعی و نادانی نسبت به حوادث و وضع دین اسلام در موقعیتی قرار گرفته بودند، که جهالت به طوری بر آنها مستولی شد که در سایه همین جهالت زندگی با تغییر و چرخش ماهیتی نسبت به جبهه حق و باطل، دشمن را دوست و دوستان را دشمن می‌شمردند.

پر واضح است که به همین جهت حضرت اعدائیه الحسین ﷺ مردم جهالت زده زمان خود را «به میوه نارس و بد مزه‌ای تشبیه می‌کند، که در گلوی باغبان دلسوز گیر کرده و اما در کام ربایندگان غاصب، شیرین و لذت بخش است». «فَكُنْتُمْ أَخْبَثُ ثَمَرَةً شَخًّا لِلنَّاطِرِ وَ أَكَلَةً لِلْغَاصِبِ»^۱. آری عمق جاهلیت و جهالت مردم در عصر حسین بن علی ﷺ را از این زاویه باید مشاهده نمود، که آنها با ریختن خون اهل بیت رسول الله ﷺ به دنبال تقرب و جلب رضای خداوند بودند. «وَكُلُّ يَتَقَرَّبُونَ إِلَيَّ اللَّهُ بِدَمِهِ»^۲. آری فریاد عمر بن سعد (و عمر بن سعد ها) در عصر تاسوعا برای تهییج و ترغیب سپاه کوفه در جنگ با امام که می‌گفت: ای مبارزین و مجاهدین راه خدا

۱. تحف العقول، صفحه ۴۱۸.

۲. بحار الانوار، جلد ۴۴، صفحه ۲۹۸.

برای نبرد با حسین بن علی بتازید، که شما را به بهشت بشارت می‌دهم^۱، نتیجه جهالت و بی‌اطلاعی آنها به تاریخ حوادث و جریان‌های حق و باطل در صدر اسلام بود. بنابراین از مسلمانان گمراهی که به سبب جهالت و نادانی به سرزمین کربلا برای مقابله و ستیز با عزیزترین انسان‌ها و فرزندان رسول الله وارد شده بودند، نباید بیش از این انتظاری داشت، که آنها در پاسخ ابوئمامه صائدی که به دستور امام از کوفیان مهلت خواست تا نماز بگذارد، آنها بی‌شرمانه هلهله می‌کردند و «فریاد می‌زدند، که نماز حسین قبول نیست»!

خلاصه این که در ارزیابی رخدادها و حوادث تلخ تاریخی بعد از رحلت پیامبر ﷺ، به ویژه در عصر امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) و بعد از آنها، مهم ترین عامل انزوا و حذف جریان حق از صحنه حکومت سیاسی و همچنین حاکمیت جریان انحرافی باطل گرایان، تغییر و تحولات ماهیتی بود، که بر اثر جهالت و بی‌اطلاعی از جریان‌های خودی و غیر خودی، در انقلاب الهی رسول خدا و حکومت علوی پدیدار شده بود. متأسفانه جریان انحرافی و قدرت طلب، با بهره گیری از جهل و نادانی مردم توانست در اندک زمانی پس از رحلت پیامبر ﷺ، حاکمیت سرزمین‌های اسلامی را از آن افرادی سازد، که هیچ اعتقادی به پیامبر، مبانی دینی و ارزش‌های انسانی نداشتند، لذا از این رهگذر در صحنه دین و دنیا، جریان اسلام ناب محمدی ﷺ، با ارتکاب فجیع‌ترین جنایت‌ها، عقده‌های چرکین و بشارت آمیز خود را التیام بخشیدند.

البته برخی در بررسی‌ها و مطالعات تاریخی خود، علل و عوامل گوناگونی برای شکل گیری انحرافات پس از رسول خدا ﷺ بیان داشته‌اند، به طوری که بعضی به عوامل اجتماعی و گروهی دیگر به انگیزه‌های سیاسی نظر داشته‌اند و لکن به نظر می‌رسد در بررسی و تحلیل ماهیت شکل گیری انحرافات و اتفاقات بعد از رحلت رسول خدا ﷺ، تنها نباید با نگاهی تاریخی به این رخدادها و حوادث نگرست، چرا که اگر تحلیل این وقایع و تحولات فکری، اجتماعی و سیاسی صرفاً با نگاهی

تاریخی صورت پذیرد، لازمه چنین نگاهی، از یک طرف پرداختن به حوادث و مسائل جزئی و فرعی است و از سوی دیگر غفلت از اصل موضوع خواهد بود و بدیهی است که نتیجه چنین نگاهی، نه تنها انسان را در لایه‌های سطحی ماجراها و حوادث محدود می‌نماید، بلکه از شناخت و تحلیل ماهیت آنها باز خواهد داشت.

پرواضح است که تعبیر پر معنای مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) که فرمودند: «آدم باید به فکر فرو برود که چرا این طور شد. ۱۹». بیانگر نوعی نگاه و تحلیل از یک «جریان مستمر» تاریخی است، اگر چه نباید از حوادث و رخداد‌های جزئی و فرعی و حتی از افراد و به ویژه ازدنی‌گرایی خواص و رجال برجسته تاریخی غافل باشیم و لیکن نباید در آنها متوقف شد، بلکه باید با نگاهی عمیق و تحلیلی جامع تر به علل، موانع و انگیزه‌هایی پرداخت، که به سان یک «جریان مستمر و پیوسته»، ماهیت و حقیقت این حوادث و تحولات را تشکیل داده است. به طور کلی این نگاه عمیق را می‌توانیم «جریان شناسی» آن دوران بنامیم.

در این نگاه «جریان شناسی»، است که به این نکته اساسی می‌رسیم، که از آغاز رسالت پیامبر و نهضت اسلام یک جریان انحرافی متشکل از گمراهان لجوج و مسلمانان منافق و طمع ورز، موازی جریان جبهه حق در حرکت بوده است و نقطه محوری و ثقل این جریان شیطانی، آنهایی بودند که علاوه بر کفر باطنی، خط لجاجت، عناد و دشمنی با اسلام و پیامبر را در اردوگاه طاعن‌الایمانان، مدیریت می‌کردند. درحقیقت از همان روزهای نخستین رسالت الهی پیامبر، به عنوان سرسخت‌ترین دشمنان نبوت و رسالت از اهل بیت رسول الله کینه و عداوت خاصی در دل داشتند. چنانچه به شهادت تاریخ، آنها به مقتضای موقعیت‌ها و فرصت‌هایی که به دست می‌آوردند، با شگردها و ظرافت‌های خاص خود و متناسب با زمان و موقعیت اجتماعی خود، از هر گونه کارشکنی و ایجاد موانع در مسیر تحقق و گسترش پیام توحیدی اسلام فروگذار نبودند، به طوری که به قرائن و شواهد فراوان تاریخی، بسیاری از آنها حتی بعد از ادعای اسلام و پذیرش دعوت پیامبر ﷺ و اظهار حمایت از نهضت اسلامی به مخاصمه و بحث‌های انحرافی با رسول خدا مبادرت می‌کردند و شاید به همین جهت باشد که این گروه مورد غضب خداوند

بودند. «وَالَّذِينَ يَحْمِلُونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُمْ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ» یعنی آنان که در دین خدا (از حسد و عناد با رسولش) جدل و احتجاج برانگیزند پس از آنکه خلق دعوت او را پذیرفتند، حجت آنها نزد خدا لغو و باطل است و بر آنها قهر و غضب و عذاب سخت خواهد بود.

آری تنها در پرتو یک چنین نگاه عمیق «جریان شناسی» است، که به این واقعیت تاریخی می‌رسیم که همزاد با اسلام، جریانی متولد شده، که نه اخلاص و شهادت برای «مان آوردن داشتند، و نه قدرت و جرأت بر مخالفت علنی با پیام توحیدی اسلام را داشتند. یعنی برای دستیابی به انگیزه‌ها و منافع دراز مدت خویش در صفوف مسلمانان نفوذ کردند و تا زمانی که به اهداف شیطانی خویش نرسیدند، اردوگاه اسلام را ترک نکردند و حتی برای رسیدن به اهداف خویش در همراهی با پیامبر تعلل نمی‌کردند. بر بسیاری از صحنه‌ها حضور داشتند. اگرچه سران این جریان برای حفظ حال خویش سعی می‌نمودند در صحنه‌های دشوار و سخت به بهانه‌های مختلف حاضر نشدند، اکثراً از همان دوران به دنبال فرصت بودند، تا یک روزی عقده‌های خود را بتسبیح و از پیامبر و اهلبیت پیامبر، انتقام بگیرند. متأسفانه این جریان انحرافی در گذر زمان در سایه غفلت، جهالت و بی‌بصیرتی طرفداران جبهه حق، به خواسته‌های سوء و شیطانی خود دست یافتند.

بنابراین حوادث و اتفاقات پس از رحلت رسول خدا (ص) را باید با تحلیل فلسفه تاریخ، بررسی و مطالعه نمود، چرا که تنها همین نگاه عمیق و حایل مبتنی بر فلسفه حوادث و وقایع است که می‌تواند پاسخگوی «چرایی» باشد. نه دریانات حکیمانه مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) به عنوان نگرانی و دغدغه معظم له مطرح شده است. یعنی باید کو شید، تا هر کدام از حوادث و اتفاقات پس از رحلت پیامبر را با جریان‌های فکری آغاز رسالت توحیدی و انقلاب الهی وی پیوند زد. لذا ما معتقدیم بر اساس این نگاه عمیق «جریان شناسی»، موقعیت حکومت علوی و

قصه امامت امام حسن علیه السلام و واقعه جانسوز کربلا و... را باید به صورت پیوسته با اتفاقات صدر اسلام تحلیل نمود. چنانچه فرمایش مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) ناظر به این نگاه جریان شناسی است، که فرمودند: «کار به جایی رسید که پسر و نوه کسانی که در جنگ بدر، به دست امیرالمومنین به درک رفته بودند و به دست حمزه و بقیه سرداران اسلام، به درک رفته بودند، پسر همان افراد، نوه همان افراد، جای پیغمبر نشست و سر جگر گوشه پیغمبر را جلوی خود گذاشت و با چوب خیزران به لب و دندان او می زد و می گفت: لیت اشباخی بیدر شهدا * جنع الخرج من وقع الازل: یعنی کشته های ما در جنگ بدر بلند شوند، ببینند که ما با کشنده هایشان چه کار کردیم»^۱ بنابراین تنها از منظر این نگاه و تحلیل عمیق جریان شناسی است، که می توانیم پاسخگوی این پرسش که «چرا اینطوری شد؟!» باشیم و در نتیجه آنگاه این - وادب و اتفاقات می تواند درس عبرت و مایه بصیرت افزایی برای جامعه اسلامی باشد. البته ادعای این نوشته مد نظر و مورد بحث است این که:

- ✓ اگرچه اساسی ترین انگیزه های مخالفت با حاکمیت ولایت و رهبری خاندان عصمت و طهارت، روحیه دنیاطلبی، خواص و سران جریان قدرت طلب بوده
- ✓ اگرچه بدون شک مهم ترین انگیزه جریان انحرافی از دستیابی به خلافت و حکومت، انتقام جویی و کینه ورزی بوده و این کینه ها، روحیه انتقام جویی، سال ها در دل های بیمار آنها مانند آتشی خاموش در زیر خاک برآمده بود
- ✓ اگرچه ریشه این کینه ها و انتقام جویی ها را باید در عصر پیامبر و جنگ های صدر اسلام و هلاکت سران و سردمداران شرک، کفر و اهل نفاق جستجو کرد
- ✓ اگرچه نقشه سقیفه، در حیات رسول خدا طراحی شده بود، و نمرود از فرماندهی «اسامه بن زید» برای پیگیری آن نقشه شوم بود، چنانچه بیان پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمودند: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ تَخَلَّفَ عَنِ جَيْشِ أُسَامَةَ» بیانگر این موضوع می باشد! اگرچه سرخ بسیاری از انحرافات، توطئه ها و آتش افروزی ها علیه حکومت علوی و امامت

امام حسن و امام حسین و سایر ائمه اطهار علیهم السلام در ادامه تاریخ، در دست عناصر لجوج همین جریان انحرافی بوده!

ولکن در اینجا سخن اساسی این است، که به تعبیر مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) «ما باید فکر کنیم که چرا پنجاه سال بعد از وفات پیغمبر صلی الله علیه و آله کار کشور اسلامی به جایی رسیده باشد که مردم مسلمان، از وزیرشان، امیرشان، سردارشان، عالیشان، قاضی شان، و قاری شان، در کوفه و کربلا جمع بشوند و جگر گوشه همین پیغمبر را با آن وضع فجیع به خاک و خون بکشند؟^۱»

آنچه که بیش از بقیه مایه تعجب و تاسف است، این که واقعه جانسوز کربلا، فاصله زمانی چند سال بعد از عصر پیامبر صلی الله علیه و آله نداشت و جامعه، جامعه اسلامی بود، چرا و چگونه یک جریان انحرافی را است همه چیز را به نفع خود تغییر دهد و ابتکار عمل را در دست بگیرد و وقایع دردناک و دل خراشی مانند شهادت حضرت امیرالمومنین، امام حسن و امام حسین علیهم السلام را توسط مسلمانان دین دار و امت اسلامی در فاصله کوتاهی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله رقم بزنند؟^۲

به تعبیر مقام معظم رهبری «حفظه الله تعالی» آدم باید به فکر فرو برود، که چرا این طوری شد؟^۳

نکته بسیار مهم تر اینجاست، که اگر امروز ما «چرایی» این واقعه جانسوز را با ویژگی ها و زوایای پیدا و پنهانی که دارد، نفهمیم و قدرت درک و تجزیه و تحلیل صحیح آن را نداشته باشیم، نمی توانیم از تکرار احتمالی چنین حادثه ای جلوگیری نماییم. چنانچه مقام معظم رهبری می فرمایند: «اگر امروز من و شما جلوی این قضیه را نگیریم - ممکن است پنجاه سال دیگر، ممکن است ۵۰ سال دیگر، ممکن است ده سال دیگر - یک وقت دیدید جامعه اسلامی ما هم کارش به

۱. در جمع لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص)، ۷۵/۳/۲۰.

۲. همان.

آنجا رسیدا تعجب نکنید. مگر چشمان تیزی تا اعماق را ببینند، نگهبان امینی راه را نشان بدهد، مردم صاحب فکری کار را هدایت، و اراده‌های محکمی پشتوانه این حرکت باشند. البته آن وقت خاکریز محکمی خواهد بود؛ دژ محکمی خواهد بود، کسی نخواهد توانست نفوذ بکند. و الا اگر رها کردیم، باز همان وضعیت پیش می‌آید! آن وقت همه این خون‌ها هدر خواهد رفت»

«من سر رشته مطلب را به ذهن شما می‌سپارم تا شما خودتان روی این قضیه فکر کنید. کسانی که اهل اندیشه هستند، اهل مطالعه هستند، دنبال این بروند که چگونه می‌شود جلوی این را گرفت؟» آری به جهت اهمیت و ضرورت موضوع در این بسته درصدد پاسخ به پرسش فوق هستیم که معظم له در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ حضرت رسول ﷺ بیان فرمودند. البته بنا داریم که با بهره گیری از آیات نورانی قرآن و مستندات تاریخی، پاسخی تحلیلی را به مقتضای زمان و شرایط به علاقمندان و خوانندگان عزیز تقدیم نماییم.

البته باید بپذیریم که در بستر تاریخ، اسنادها و نوشته‌های گرانسنگ و با ارزشی در خصوص وقایع و رخدادهای تاریخ اسرم و مقایع مختلف آن، از جمله پیرامون حیات پیامبر اکرم ﷺ و حوادث پس از رحلت آن حضرت، و حکومت علوی و دوران ائمه معصومین (سلام الله علیهم) توسط اندیشمندان و ذی‌نگار اهل قلم، به نگارش در آمده است، و لیکن در بسیاری از این نوشته‌ها علی‌رغم مفید بودن، به «جریان شناسی» تقابل جبهه حق و باطل به صورت یک حرکت پیوسته و مستمر پرداخته نشده، بلکه غالباً این کتابها و نوشته‌ها در حوزه پژوهش تاریخی و نقل قصه‌ها و سرگذشت‌ها و یا در ابعاد علمی، معنوی و رفتاری سیره رسول خدا و ائمه معصومین، و احیاناً عملکردهای مخالفین و دشمنان آنان به رشته تحریر در آمده است. به تعبیری ما در این کتاب علی‌رغم این‌که از چیستی و چگونگی این وقایع غافل نیستیم و لکن به دنبال تبیین و تحلیل چرایی این حوادث هستیم. همان‌گونه که

(در شرایط موجود) بیانات حکیمانه و هوشمندانه رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص چرایی حوادث پس از رحلت پیغمبر، ضرورت عبور از این لایه‌های سطحی و پرداختن به عمق ماجراها و جریانات و تحلیل فلسفه تاریخ را به قصد «جریان شناسی» دو چندان ساخته است، چرا که حوادث و اتفاقات تاریخی را باید یک حرکت پیوسته دانست، که در این صورت است که آن حوادث چیزی جز انعکاس و باز تاب تقابل جریان جبهه حق و باطل نخواهد بود. و لازمه این نگاه (جریان شناسی) این است که کل جریان انحرافی و مخالفین جبهه حق را از آغاز رسالت پیامبر تا ائمه و استمرار خط ولایت و امامت ائمه معصومین، دشمنی واحد و جریان‌ی مستمر و پیوسته بدانیم. خلاصه این که تنها با تحلیل و تبیین «جریان شناسی» حوادث و اتفاقات تاریخی است، که می‌توانیم پاسخگوی، چرایی رخدادها و حوادث تلخ و جانسوز پس از رحلت رسول خدا باشیم. بدیهی است که برداشته‌ها و قضاوت‌ها به تناسب متبصر، معنومات، میزان بصیرت و قدرت تحلیل افراد نسبت به حوادث، رخدادها و جریان‌های تاریخی، متفاوت خواهد بود. لذا ضمن استقبال از راهنمایی‌ها و پیشنهادات شما خواننده عزیز، بیان چند نکته در مطالعه این اثر، ضروری به نظر می‌رسد.

۱) محور اصلی و درون مایه این نوشته، در راه‌نمای تبیین و تحلیل بیانات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (مدظله العالی) است، که در مورخه بیست خرداد، سال هزار و سیصد و هفتاد و یک، در جمع فرماندهان و پاسداران لشکر ۲۷ حضرت رسول ﷺ در خصوص عبرت‌های آشورا و چرایی حادثه کربلا و شهادت سرور و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (سلام الله علیه) ایراد شده است. پس از گوش جان سپردن و چندین بار مطالعه این بیانات حکیمانه، به جهت اهمیت این سخنان و ضرورت و اقتضائات زمانی جامعه اسلامی، برخود فرض دانستم که در راستای دل‌مشغولی و دغدغه‌های معظم له، برای پاسخگویی به چرایی حوادث و اتفاقات جبران‌ناپذیر پس از رحلت رسول اکرم ﷺ بخصوص حادثه کربلا، به ریشه‌یابی انحرافات و فتنه‌هایی که منجر به این وقایع و رخدادهای تلخ و ناگوار گردیده، بپردازم. سرانجام در پرتو عنایت و هدایت الهی و در

سایه نعمت با عظمت ولایت، این فرصت را یافتم که در حد بضاعت خویش به تبیین و تحلیل «جریان شناسی» کلام «ولی خدا» در خصوص این حوادث و اتفاقات به وظیفه خود عمل نمایم. امید است در عمل به کلام راهبردی معظم له که بیانگر یک نوع تفسیر نو و نگاه جریان شناسی به تاریخ است، بیش از پیش در شناخت دوست و دشمن و ریشه‌یابی انحرافات و فتنه‌های پیدا و پنهان مراقب و مواظب باشیم.

۲) این کتاب از آنجا که یک نگاه جریان شناسی به فلسفه تاریخ و حوادث تاریخی است، سعی شده به جای نقل قول و بیان مبسوط و مشروح قصه‌ها و داستان‌های تاریخ، بدنبال نکات کلیدی، کمین‌گاه‌های خطرناک و چرایی گرایش‌ها و جریانات انحرافی و حادثه ساز در مقابل جبهه حق باشیم. البته از آن جهت که حجم جریان‌ها و گرایش‌های تاریخی در تقابل جبهه حق و باطل بسیار زیاد است، ما در این نوشته به مباحث و موضوعاتی اکتفا نموده ایم که نقش محوری و نقطه پیوندی در یک نگاه تحلیلی به «جریان شناسی» حوادث و رویدادهای تاریخ را داشته باشند. لذا به همین مناسبت، در تبیین حوادث و اتفاقات، به لحاظ اهمیت و تناسب موضوع «جریان شناسی»، پیرستگی حرکت انحرافی جریان باطل در مقابل جبهه حق را از زوایای فکری، اجتماعی و سیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، و بجای نقل کامل حوادث این تقابل تاریخ، تنها به بیان بخشی از آنها که در راستای هدف نهایی دارای تناسب و انسجام محتوایی است، مبادرت نموده‌ایم، چرا که طرح کامل و بیان جزئیات حوادث و حکایتها، مربوط به کتابهای تاریخی می‌باشد، در حالی که ما در این مقام در صدد تحلیل عمیقی که مبتنی بر جریان شناسی تاریخی جبهه حق و باطل و حوادث و اتفاقات پیرامونی آنها است، می‌باشیم. خلاصه این که بازنگری عملکرد خواص طرفدار جبهه حق، تحلیل خواستگاه‌های جریان‌های فکری و تبیین فلسفه رویدادهای تاریخی، می‌تواند یکی از بهترین راه کارهای آسیب شناسی جریان جبهه حق در هر عصر و زمانی باشد، که از این رهگذر بخوبی می‌توان به نقاط قوت و ضعف جبهه خودی و دشمن پی برد، و در نتیجه با تحلیل کاربردی و منطبق سازی حوادث و جریان‌های گذشته با

موقعیت و وضعیت جامعه خویش، از تکرار احتمالی چنین حوادث و اتفاقاتی جلوگیری نمود.

۳) در این نوشته علی‌رغم این‌که تلاش شده تا از مآخذ و منابع معتبر و مستندات روایی و تاریخی شیعه و سنی، استفاده شود، لکن در برخی از موارد مصادیق تاریخی که در میان مورخین اسلامی اتفاق نظر بوده و اختلافی در اصل ماجرا و نقل قولها وجود نداشته، به جهت پرهیز از اطاله کلام و اجتناب از حجیم شدن مطالب به صورت گزینشی به مضمون و محتوای آنها اشاره و در برخی موارد از ذکر مستندات آنها خودداری شده است. شایان ذکر است که دراستخدام مفاهیم کلیدی و منسب‌سازی حوادث و جریان‌های تاریخی با موقعیت و اقتضائات امروزی جامعه اسلامی نه تنها حایق، واقعیت‌ها و ضرورت‌ها مد نظر بوده، بلکه در تألیف و تدوین، از تصرفات نام‌آور و متون و محتوا به طور جدی اجتناب شده است.

۴) در طول مراحل نگارش و تدوین این کتاب سعی شده، برای تحقق شاخص‌ها و مؤلف‌های تحلیل «جریان‌های اساسی»، حوادث و وقایع تاریخی، تناسب عناوین با مطالب و موضوعات متن رعایت و به عنوان یک ویژگی مد نظر باشد، به طوری که به جهت وجود تناسب و پیوستگی عناوین و مطالب در تجزیه و تحلیل حوادث و اتفاقات تاریخی، خوانندگان محترم در پرتو همین اختیاری و همسانی، با افزایش و بهره‌گیری از بصیرت، فهم و شعور سیاسی و اجتماعی، بتوانند گدازشت آن بلایی که بر سر حکومت دینی رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام وارد شده بود، در موقعیت فعلی بر سر انقلاب اسلامی و رهبری جامعه اسلامی باید، تا می‌سازد حوادث تلخ و زیانبار تاریخ تکرار شوند. در حقیقت با تبیین و تحلیل جریان‌شناسی حوادث تاریخی می‌توانیم با ایجاد انطباق بین جریان‌های گذشته و حال، علاوه بر بازخوانی و بازنگری نقاط قوت و ضعف جبهه حق، با عبرت‌آموزی و شناخت شیوه‌های دشمنی مخالفان و معاندان، قدرت‌بازدارندگی، مقاومت و ایستادگی آحاد جامعه اسلامی را افزایش داده باشیم، تا در چنین شرایطی توده مردم به طور عام و خواص و نخبگان به طور خاص نه تنها خود دچار لغزش، انحراف و فتنه‌ها نشوند،

بلکه برای مقابله با انحرافات فکری و فتنه‌های اجتماعی و سیاسی از بصیرت و معرفت لازم برخوردار باشند.

۵) موقعیت و شرایط زمانی و منطقه‌ای انقلاب اسلامی ایران به عنوان ام القرای جهان اسلام و خطر وجود جریان‌های تکفیری و الحادی در مقابله با حاکمیت و گسترش اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله، با حمایت‌ها و پشتیبانی‌های استکبار جهانی به سرکردگی امریکا، این ضرورت را ایجاد می‌کرد، تا در راستای دفاع و پاسداری از انقلاب اسلامی، به عنوان دستاورد نهضت انبیاء الهی و ائمه معصومین علیهم السلام، قدمی هر چند اندک بر داشته باشیم، چرا که در شرایط کنونی، انقلاب اسلامی با حاکمیت محوری ولایت فقیه و به دلیل برخورداری از ماهیت اسلامی و انقلابی، با دستاوردهای عظیم و تحولات شگرف منطقه‌ای و بین‌المللی به عنوان مدرن‌ترین پایگاه اسلام در منطقه حساس ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک خاور میانه، موجب تضعیف نظام سلطه و ثروت، منافع، اهداف و برنامه‌های استعماری خود را یکسره در خطر بیندازد و این مقابله با جلوه‌ها و مظاهر اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله، با طراحی سیاست اسلام ستیزی، به دنبال دامن زدن به اختلافات و ایجاد فتنه و بحران در منطقه می‌باشند، تا شاید بتوانند با تخریب اسلام راستین و مخدوش نمودن چهره مسلمانان، مانع نفوذ و صدور روز افزون اندیشه و تفکر اسلام انقلابی در میان ملت‌ها و جوامع بشری باشند. لذا در شرایط و دورانی که دنیا، غرب و استکبار جهانی باتمام عده و غده، سیاست شیعه‌هراسی و طراحی و اجرای بحران‌های ساختگی و جعلی را توسط جریان‌های انحرافی، الحادی و تکفیری در دستور کار دارند، برخورد لازم دانستم تا با بهره‌گیری از فرمایشات راهبردی رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی، به تألف و تدوین این کتاب با ماهیت تحلیل حوادث و اتفاقات تاریخ اسلام، مبادرت نمایم، تا خط بطلانی بر ادعاهای جعلی و دروغین دشمنان دیروز و امروز اسلام علوی باشد. به تعبیر مقام معظم رهبری: «تاریخ را با قصه اشتباه نکنیم. تاریخ یعنی من و شما؛ یعنی همین‌هایی که امروز این جا هستیم، پس اگرما شرح تاریخ را می‌گوئیم، هر کدام از ما باید نگاه کنیم، ببینیم کجای این داستانیم، کدام قسمت قرار گرفته ایم. بعداً ببینیم

آن کسی که مثل ما در این قسمت قرار گرفته بود، آن روز چگونه عمل کرد که ضربه خورده، ما آن گونه عمل نکنیم^۱»

در پایان امید دارم که این تلاش، مورد قبول خداوند سبحان و خشنودی ائمه معصومین علیهم السلام به ویژه به درگاه حضرت ولی عصر «ارواحنا له فداء» به دیده رضایت تلقی گردد. «انشاء الله»

و الحمد لله رب العالمین

قم المقدسه. عزت الله معتمد

ذی القعدة ۱۴۳۶ مصادف با شهریور ۱۳۹۴